

« بسیاری از تجهیزات نظامی ایران ساخت آمریکا هستند اما مستشاران آمریکایی که زمانی نیروهای مسلح محمدرزاشاه پهلوی را آموزش می دادند، سه سال پیش با سرنگونی سلطنت در جریان انقلاب اسلامی، ایران را ترک کردند. »

آسوشیتدپرس، ۱۷ فروردین ۱۳۶۱



① ۱۲ دی ۱۳۵۷، خروج آمریکایی‌های مقیم ایران در روزهای منتهی به انقلاب. سفارت آمریکا در تهران میزان بالای خشم ایرانی‌ها از آمریکایی‌ها را دریافته بود.



× پیش‌بینی برژینسکی

میز داشته باشند. او گفته بود تهدید امنیت خلیج فارس به آن‌ها فرصتی داده تا جایگاهشان را در منطقه محکم‌تر کنند و این که «سعودی‌ها و دیگر کشورهای خلیج فارس، که امنیتشان را در طولانی مدت در معرض خطر می‌بینند، حالا میل بیشتری به حضور نظامی آمریکا [در منطقه] دارند.» مسئله‌ای که او می‌گفت به شدت مشتاق آن است اما در عمل نباید خود را بیش از حد مشتاق نشان دهند. مسئله‌ی بعد در باره‌ی کمک به ایران بود. برژینسکی نوشته بود که جدای از این اقدامات فوری، «ما باید اقداماتی نامحسوس و غیرعلنی در رابطه با ایران انجام دهیم.» و گفته بود این اقدامات باید در حالی صورت گیرند که به نیروهایشان در عربستان سعودی افزوده شود و درگیری با کشورهای عربی به وجود نیاید؛ «و در حالی که به طور علنی با عراق مقابله و مخالفت نشود.» در ادامه آمده بود که آمریکا باید به طور فعالی به دنبال روابط جدید با ایران باشد تا بتواند به آن کمک کند؛ «فقط به اندازه‌ای که بتواند فشار کافی بر عراق، برای عقب کشیدن از بیشتر یا شاید همه‌ی [زمین‌هایی که] به دست آورده، اعمال کند.» او دلیل دیگر این اقدام را مقابله‌ی موثر با شوروی عنوان کرده بود که از حامیان اصلی عراق به شمار می‌آمد. روابط ایران و آمریکا از زمان گروگان‌گیری در سفارت آمریکا تقریباً به طور کامل قطع شده بود و برژینسکی نوشته بود این ارتباط اندک حالا از طریق سفارت‌های سوییس و آلمان برقرار می‌شود که فعلاً کافی است اما «برای طولانی‌مدت... در نظر مسائل استراتژیکی کافی نمی‌باشد.»

② کارتر و برژینسکی. پیش‌بینی‌های برژینسکی از نتایج احتمالی جنگ ایران و عراق، مهم و خواندنی است.

وضعیت جدید جنگ بسیاری را غافلگیر کرده بود اما برخی سیاستمداران آمریکایی از همان ابتدا برگشتن ورق جنگ را بعید نمی‌دانستند. ۱۱ مهر ۱۳۵۹ چند روزی پس از آغاز جنگ، برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت جیمی کارتر، در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور می‌نویسد: «به نظر می‌رسد این جنگ، جنگی فرسایشی باشد. [لقمه‌ای] که عراق گاز گرفته، بزرگ‌تر از آن است که بتواند بجود، چه برسد به این که بخواهد هضمش کند. ایران با این مسئله [حمله به خاکش] کنار نخواهد آمد.» برژینسکی نوشته بود که جنگ، علاوه بر دو کشور درگیر، خرابی‌هایی را نیز در منطقه به وجود می‌آورد و آتش آن، ممکن است دامن دیگر کشورهای خلیج فارس را نیز بگیرد. برژینسکی با استناد به وضعیت موجود که عراق را در حال پیشروی می‌دید، سوالاتی را مطرح کرده بود: «آیا ایران می‌تواند بدون خوزستان به حیاتش ادامه دهد؟... ایران از نظر سیاسی به کدام سمت خواهد رفت؟... آیا عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس به سمت عراق متمایل خواهند شد؟...» و در نهایت پرسیده بود این جنگ جایگاه آمریکا در منطقه را چگونه تغییر خواهد داد؟

برژینسکی نوشته بود قصدش از نوشتن این یادداشت کوتاه، پاسخ به تمام سوالات مطرح‌شده نیست و تنها می‌خواهد به چالش‌هایی که به دلیل آغاز جنگ ایجاد شده، اشاره کند. او می‌گوید به نظرش پاسخ و عملکرد آمریکا تا این‌جای کار خوب بوده؛ «ما به طور روشنی تعهد خود را به باز نگه داشتن تنگه‌ی هرمز اعلام کرده‌ایم، ما از مواضع خود در عربستان سعودی دفاع کرده‌ایم و به طرف هیچ کدام از طرفین درگیر در جنگ مایل نشده‌ایم.» و گفته بود با این حال، بدون این که روابطشان را با اعراب خدشه‌دار کنند، توانسته‌اند گزینه‌هایی را نیز در رابطه با ایران روی

دو بند اول اشاره‌ای کلی است. اول؛ تکرار این موضوع که عراق جنگ را باخته است و ایران مناطقی را که قبلاً از دست داده بود، پس گرفته و حکومت ایران معتقد شده که اصول و سیاست‌های تثبیت شده و حکومتی باثبات و قوی شده است. نوشته بودند پیروزی‌های ایران قدرتش را افزایش داده است و حکومت صدام به شدت آسیب دیده است. دوم؛ عراق همچنان در پی سازش و مذاکره است و در مقابل، ایران علاقه‌مند به مذاکره با حکومتی که صدام را در رأس دارد، نیست. آن‌ها همچنین نوشته‌اند حتی حمایت عمومی از صدام و پیش کشیدن بحث غرامت برای آوردن ایرانی‌ها پای میز مذاکره کافی نیست و سقوط صدام یک انتخاب راهبردی برای ایران است.

